

در یک روز سرد پاییزی، آرتور میلر نمایشنامه‌نویس و نیکلاس هینتر کارگردان در یکی از هتل‌های مرکزی شهر منتهن گرد هم آمدند تا نظرات خود را درباره فیلم کوران حوادث مورد بحث قرار دهند. میلر برنده جایزه پولیتزر بخاطر همه پسران من، مرگ یک دستفروش و پنجره‌های از پل است. و هینتر کارگردان تئاتر، اپرا و فیلم است و همینطور در تولید فیلم موزیکال خانم سایون و اجرای صحنه‌ای آن و برگردان نمایشنامه جنون جورج شاه به فیلم نیز همکاری داشته است. صحبت از دو هنرمند تئاتر است: یکی میلر پیشکسوت ۸۰ ساله نیویورکی و دیگری هینتر ۴۰ ساله انگلیسی، و تقریباً جوان. کوران حوادث درباره محاکماتی در شهری بنام سلیم در قرن هفدهم است. اولین اجرای نمایشی کوران حوادث در برادوی و در سال ۱۹۵۳ به روی صحنه رفت که از آن ستایش و تمجیدهای فراوان به عمل آمد و در نقطه مقابل نیز خرده‌گیری‌هایی نیز بدان گرفته شد. بار دیگر کوران حوادث بر پرده سینما نقش می‌بندد و به همراه دنیل دی‌لوئیس به نقش جان پراکتور، چون آلن به نقش هرسل الیزابت، وینونا رایدر به نقش آبی‌گایل کسی که الیزابت را به افسونگری متهم نموده و پل اسکافیلد به نقش قاضی ذنفرث.

جان کلارک: شروع کار از چه زمانی آغاز شد؟

میلر: من پنج سال پیش این فیلمنامه را نوشته بودم، کمپانی فاکس فیلمنامه را خریداری و شروع به یافتن کارگردان نمود، کوشش آنها به نتیجه نرسید زیرا اکثراً بر این گمان بودند که این فیلم با تماشاگران امروزی ارتباط برقرار نمی‌کند. اما خدا را شکر آنها نیک (نیکلاس هینتر) را پیدا کردند.

هینتر: تام رومن پس از آنکه من از کار در فیلم «جنون جورج شاه» فارغ گشتم فیلمنامه مزبور را به من داد. برای من غیرقابل باور بود اولین فیلمنامه اقتباس شده از نمایشنامه کوران حوادث اثر آرتور میلر. در خاطر هست که من هیچگونه تصویری از اینکه تاکنون کسی این فیلم را نساخته نداشتم اما بخود گفتم آنها نتوانستند، من خواهم توانست. همینطور بخاطر داشتم شما (میلر) به من گفتید بعدها مردم از نحوه بیان دیالوگها در این فیلم عصبی خواهند شد. این تقریباً درست بود اما روش و نحوه صحبت کردن آنها اولین محرکی بود که مرا به ساختن این فیلم واداشت.

■ ترجمه: احمد ساعتچیان
از نشریه پری‌میر

درهم آمیختگی و ترکیب‌بندی صحیح دیالوگها در این فیلم از بهترین نمونه‌های زبان محاوره‌ای دز سینما است. با این طرز تفکر هیچگونه مشکلی نیز پیش نیامد.

میلر: برخلاف بیشتر کارگردانهای این کشور، نیک تجربه‌های بسیار وسیعی از تئاتر دارد. او ارزش گفتار را می‌داند، اگر او فقط بعضی از دیالوگها را درک می‌کرد، البته بدین معنی نیست که فیلم مشکل دارد این واقعاً احتمال است که بگویم چون او فقط بعضی از دیالوگها را ملتفت شد باعث گردیده که فیلم دارای عیب و نقصهایی شود.

هینتر: در فیلم شما خیلی راحت می‌توانید کارهایی را که روی صحنه می‌خواهید نمایش دهید به انجام برسانید. در فیلم راههای سهل و آسانی در انتقال احساسات همچنان‌نگیز وجود دارد. دوربین توانسته به عواطف و همچنین خلوت تنهایی انسان نزدیک شده و از آن به خصوصی‌ترین نحوه ممکن تصویربرداری کند.

میلر: به گمان من حالات مشوشی را که در نمایشنامه ایجاد کرده بودم و دیگری حضور هزاران تن از مردم که بعنوان جمعیت گرداگرد داستان در حرکت بودند را هرگز نمیشود بر روی صحنه تئاتر برجسته‌تر کرد. در تئاتر تنها چیزی که بیشتر بدان می‌شود توجه و اشاره کرد کلمات هستند و تنها گفتار می‌تواند بطور واقعی جلوه کند. و شما هم نگران به پایان رساندن فیلم بودید آنها هم به همراه سیاهی لشکرهای فراوان در کار.

هینتر: اما من سعی خودم را کردم که این شلوغی ایجاد شده در کار را تحت اختیار درآورم.

□ یکی از اصلی‌ترین انتقادهایی که به فیلم گرفته شده مربوط به نحوه گفتار نیش‌دار آن است.

هینتر: من اعتراف می‌کنم که در فیلم دیالوگهای بسیار تند و زنده‌ای وجود دارد. پس از پی بردن و تصدیق آن، به همان اندازه که طبیعت انسان می‌تواند آن را بشنود و تحمل کند محدود کردیم. شما می‌توانید بر این موضوع انتقاد کنید اما من فکر می‌کنم تحریک احساسات مردم امروز جهت ترساندن از اینگونه حوادث کاهش یافته و پس از گذشت سالها سلیقه و دریافت مردم از مسائل سیری صعودی را به همراه داشته است.



CRUCIBLE

گفتگو با آرتور میلر

و نیکلاس هینتر

نمایشنامه‌نویس و کارگردان فیلم کوران حوادث

بگویم او تقریباً از سایر بازیگران متمایز بود. نقش خود را با نیرویی بی نظیر شکل می داد و تمامی نکات مهم و شاخص شخصیت خود را پیدا می کرد و با قدرت ذهنی خودش احساسات و اخلاقیات آن را نمایان می ساخت. هیئتت: بازی او همچون هنرنمایی دستان یک نجار بود که به طرز استادانه ای آنها را بکار می برد.

□ آیا راجع به قسمتهای مختلف کار بحث می کردید؟
هیئتت: بسیار گفتگو می کردم و بیشتر در مورد نحوه بازیها. اما او بازیگری است که ناخودآگاه و در دوران با مسائل ارتباط برقرار می کند و خیلی سریع جوهره نقش را می یابد. ما هر روز از نیرویی که دنیل دی لوئیس بکار می برد شگفت زده میشدیم ما اکثراً جزئیات نقش را برای او توضیح می دادیم وی با قدرت درک بسیارش سریع آن را اجرا می کرد. اما نکته قابل توجه بداهه پردازی های او بود.

□ آرتور هم درگیر مسائل هنرپیشگان میشد؟
میلر: بیشتر با تلفن در ارتباط بودم و اگر مورد خاصی در بین بود در محل فیلمبرداری حاضر می شدم.

هیئتت: بله او اینطور عمل می کرد. و در کنار او دنیل هم به هر نحوی به ما یاری می رساند. البته میلر ابتدا دنیل دی لوئیس را برای بازی جان پروکتور پیشنهاد کرد و او هم بلافاصله پذیرفت، اما افراد بسیاری را برای ایفای نقش الزابت جستجو کردیم.

میلر: و همچنین آبیگایل.
هیئتت: بله ما خیلی برای یافتن بازیگر نقش آبیگایل کوشش کردیم. وینونا واکما شگفت آور عمل می نمود. او شبیه ستاره های هالیوودی که همیشه یک تصویر را ارائه می دهند نیست و کاملاً متفاوت عمل می کند. اولین نقری که انتخاب شد پل اسکافیلد بود. پل هنرپیشه ای است مشهور و از اعتبار بسیار بالایی برخوردار است. در حدود ۲۴ ساعت خیلی کم صحبت می کند اما همیشه در همه جای کار حاضر به خدمت است.

□ برای سوال آخر آیا بخش های دیگر از نمایشنامه وجود داشت که شما تصمیم به تغییر آن داشته باشید؟
میلر: فیلمنامه با نمایشنامه کاملاً مطابقت داده شده بود و به همین دلیل همه چیز خوب به نتیجه مطلوب رسیده بود. من هرگز این رویا را نداشتم که تمامی چیزهایی را که در فیلم به انجام رسید را نیز بر روی صحنه تئاتر عملی کنم. بخاطر اینکه لطف صحنه تئاتر به همان نمایشی بودن آن است.

□ گفتگوکننده: جان کلاری



The accused Daniel Day-Lewis and other Salem citizens on trial for witchcraft; (below) Nicholas Hytner (caption, pointing) directs a scene in *The Crucible*

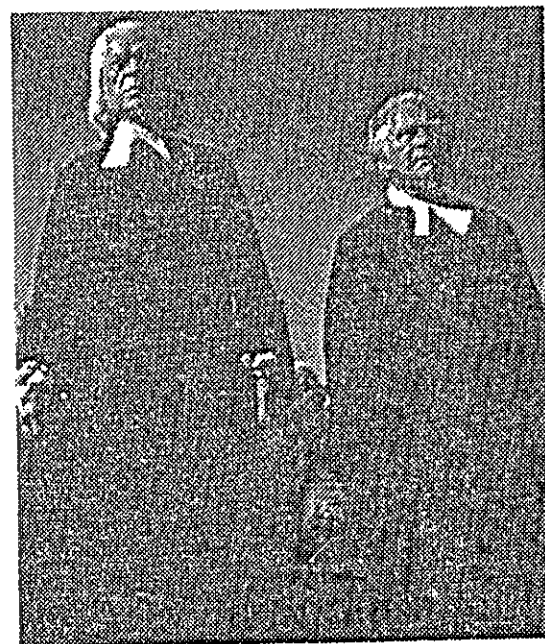
□ در فیلم آنچه بیشتر بدان توجه شده مسئله دادگاه و اعدام است، چه دستوراتی برای این کار دارید؟

میلر: من دوست داشتم بدین نحو عمل شود و بیشتر به این دلیل بود که جامعه تحت تأثیر قرار گرفته و نسبت به آن واکنش نشان دهد. در تئاتر ما فقط می توانیم در این رابطه صحبت کنیم. اما من همیشه می خواهم این مسئله را بصورت تصویری ببینم و همچنین در فیلمنامه نیز احساسات گسترده ای درباره آزادی نوشته شده است.

هیئتت: این روشی است که در آثار سینمایی بکار برده می شود تا لحظه ها بصورت واقعی و ملموس ایجاد شود بطور مثال به لحظات شیوع پیدا کردن بیماری در میان تمامی مردم و ماجرای ترازوی شخصی آبیگایل. من بخاطر می آورم احتمانه ترین سئوالی که از شما کردم این بود که تو می خواهی یک فیلم - نمایشنامه را ببینی یا یک فیلم سینمایی را؟ و شما با نگاهی که نشان از تعجب و حیرت و اینکه آیا من دیوانه شده ام خطاب به من گفتید: بله. شما یک فیلم سینمایی می خواستید. آرتور قبلاً همه

□ گویا ابتدا قرار بود آرتور کندی نقش جان پروکتور را بازی کند و حالا دنیل دی لوئیس ایفاگر آن است این تغییر برای چه بود؟

میلر: در مورد بازیگران ابتدا باید بگویم وقتی ما با آنها تماس گرفتیم همگی تمایل داشتند که در فیلم حضور پیدا کنند و این خیلی جالب بود. در مورد دنیل دی لوئیس باید



چیز را از خارج باز کرده بود درهایی را برای ورود به

داستان بازگذاشته بود که عینی تر باشد فیلمنامه احساسات مراسم دادگاه را به همراه داشت.

در مورد سوال شما باید بگویم آنچه که باعث ایجاد درک روابط شخصیتی و نزدیک تر شدن تماشاگران به داستان می گردد همین فصل دادگاه فیلم بود پس بی تردید باید به آن بیشتر توجه می کردیم. و البته یکی از نکات شگفت آوری که در تهیه فیلم رخ داد این بود که ما خیلی سریع توانستیم درگیری عراض شخصیتها را به هم نزدیک کنیم و به هنگامی نقاط اوج داستان را تشدید

کردیم که حسها کاملاً متقابل و به راحتی قابل انتقال به بیننده بود. بسیاری از من سوال می کنند که چه تفاوتی بین نمایشنامه و فیلمنامه کوران حوادث است؛ آن بخشهایی از داستان را که توانایی بیشتری جهت پرداختن داشتند برجسته تر نمودیم. و قصد من از ابتدا همان مسائلی بود که آرتور متذکر آن شده بود. خوب بهرحال این هم نقل یک داستان از صحنه تئاتر به سینما بود و بطور حتم باید تغییراتی در آن ایجاد می شد، بدین خاطر نیز درباره تمام جزئیات آن به تفصیل گفتگو می کردیم.

میلر: من معتقد بودم که پیچیدگیهای داستان را باید روانتر نشان دهیم. خواه این عمل بر روی صحنه تئاتر باشد خواه پرده سینما.